

ساره

۰۰

ابوذر وهاب

www.ketab.ir

سرشناسه : وهاب، ابوذر، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور : سایه / ابوذر وهاب
 مشخصات نشر : تهران: مگستان، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۱ ص.
 شابک : 978-600-8453-37-6
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 موعود : Persian poetry -- 20th century
 رده بندی ۲۰۰۳ : PIR ۱۳۹۶۸۳۶۳۲ س ۵۱۶ /
 رده بندی دیرین : ۶۲/۳۶۸
 شماره کتابشناسی : ۴۸۲۱۸۲



انتشارات
مگستان

سایه ها

سراینده: ابوذر وهاب
 مدیر اجرایی: سید محمد آل داود
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷
 تیراژ: ۱۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۵۳-۳۷-۶
 قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
 مرکز پخش: انتشارات مگستان
 تهران، صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۷۸۹
 تلفن: ۸۸۲۴۹۹۵۶

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	سایه‌ها!
۱۴	از همان آغاز می‌شد
۱۵	دستم به دامن! دامن!
۱۶	می‌میرد!
۱۷	سکه ی شهاب!
۱۸	ترخیص!
۲۰	محتشم!
۲۱	درهم است!!
۲۲	هاروت بابلی!
۲۳	ماجرای چشمانت!!
۲۴	سکه ی قلب!
۲۵	هیچ!
۲۶	نگرفت...
۲۷	غروب! غروب!
۲۹	شراره
۳۰	شب سمور!
۳۱	ناخ

- ۳۲ سکوت!!!!
- ۳۳ "ان یکاد"
- ۳۴ مدتیست نیست!
- ۳۵ شاعر شهر خیال!
- ۳۶ زندگانی! ..
- ۳۷ گذشت
- ۳۸ آخر این عشق
- ۳۹ بعضی ها
- ۴۰ کوچه‌ی بی نام
- ۴۱ پنجه‌ی شوق
- ۴۲ نمک ریز!
- ۴۳ نمی فهمند!
- ۴۴ دریایی به دریا می رود!
- ۴۵ برادران ناتنی!
- ۴۶ می طلبد!
- ۴۷ مطبخ خیال!
- ۴۸ بکشایند!
- ۴۹ سین!
- ۵۰ سرود گندم!
- ۵۱ وا گذاشتند
- ۵۲ چه شد!
- ۵۳ تمام است ماجرا
- ۵۴ این جامه زمستانی نیست!
- ۵۵ بدنام

- ۵۶ گل یا بوچ!
 ۵۷ ناز هزار چشم سیه...
 ۵۸ مسافر من
 ۵۹ نمی‌گیرد قرار
 ۶۰ شهر شاعر کش!
 ۶۱ دخت زرد خیال
 ۶۲ دلت فقر!
 ۶۳ چه کرد
 ۶۴ "بلدا"
 ۶۵ زوری است
 ۶۶ دیوانه‌ی دیوانه!
 ۶۷ گوشواره و پری
 ۶۸ "الهه‌ی ناز"
 ۶۹ زخم آخر
 ۷۰ دلم می‌خواهد!
 ۷۲ ناگهانگی
 ۷۳ گریه کردم
 ۷۴ شب نشینی‌ها
 ۷۵ طفل نو قلم!
 ۷۶ آینه‌اند!
 ۷۷ گناه کم دارم!
 ۷۸ نمی‌فهمی»
 ۷۹ گلایول!
 ۸۱ یوسوس الناس!
 ۸۲ بهار خوب جوانی!!
 ۸۳ سینه‌ی سهراب!
 ۸۴ بخوان بخوان!
 ۸۶ لشکر واژه‌های عاشق را
 ۸۸ پیرهن چاک و...!
 ۸۹ کمی برق‌ص!
 ۹۰ من کی ام!
 ۹۲ راهی شویم!

- ۹۳ نوروز! نوروز!
- ۹۴ بگوو!!!
- ۹۵ کویر!!!
- ۹۸ شدنی نیست!
- ۹۹ وادی ایمان!
- ۱۰۰ پر است!
- ۱۰۱ از: همان روز...
- ۱۰۲ بهانه نیست!
- ۱۰۳ می برد!
- ۱۰۴ دلش شکست!
- ۱۰۵ اهل نظر!
- ۱۰۶ باغبان یاس!
- ۱۰۷ فریاد است!
- ۱۰۸ اشتباه بود!
- ۱۰۹ صدای تیشه می آید
- ۱۱۱ نبوده‌ایم!

مقدمه

بیمار خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

در تعریف شمسیت شعر اختلاف آرای بسیاری وجود دارد. «شمس قیس رازی» در اثر گران سبب خود «المعجم فی معاییر اشعار العجم» بر این باور است که شعر: سخنی اندیشیده، مرتب، معنی، موزون، مکرر، متساوی، و حروف «اصلی قافیه» آن به یکدیگر مانده است. در این تعریف عناصر گوناگونی حضور دارد که برخی از آن‌ها به مرور زمان و همراه با تغییر سانساز و محتوایی شعر، رنگ باخته‌اند و دیگر نقش اساسی در آفرینش شعر به دنبال خود کلمه ایفا نمی‌کنند.

با عنایت به حوصله‌ی تنحی که این مقال دارد به صورت گذرا نگاهی به اختلاف اقوال و آرا در مورد تعریف و ماهیت شعر خواهیم داشت تا ادب‌دوستان با مقایسه آن‌ها به تفاوت‌های اساسی این‌گونه تعاریف با تعریفی که شمس قیس رازی از شعر ارائه کرده است، پی ببرند.

شیخ الرئیس «ابوعلی سینا» متأله ایرانی در قسمت «مناسق» کتاب «شفا» شعر را سخنی موزون و مقفا و معنوی می‌داند و «سراج الدین» در «مفتاح العلوم» خود، عنصر «معنوی» را از تعریف ابن سینا بر می‌دارد و می‌گوید: «شعر، سخنی موزون و مقفاست، در حالی که اگر شعر فاقد معنی باشد، اطلاق شعر بر آن جایز نیست و به هذیانی می‌ماند که دارای وزن و قافیه است. اتفاقاً هنر «احمد اسرایان» در سرودن کلام موزون و مقفا و بدون معنی بوده است و در تذکره‌ها به نمونه‌های بسیاری از این نوع لطائلات بر می‌خوریم. نظامی عروضی نیز یکی از کامل‌ترین تعریف‌ها را درباره شعر (از نظر ماهوی) در کتاب چهار مقاله به دست می‌دهد:

شعر: صنعتی است که شاعر بدان صنعت، انساق مقدمات موهمه کند و التئام قیاسات منتجه بر آن وجه که: معنی خرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد و نیکو را در خلقت زشت باز نماید و زشت را در صورت نیکو جلوه دهد و به ایهام، قوت‌های

غضبانی و شهوانی را برانگیزد تا بدان ایهام، طبع را انقباضی و انبساطی بود و امور عظام را در نظام عالم سبب شود.

برخی از منتقدان و صاحب‌نظران اروپایی، شعر را توصیف موزون و هنرمندانه از «جمال مطلوب» می‌دانند که شنیدن و خواندن آن‌ها در آدمی ایجاد هیجان کند، در صورتی که گاه، شاعر به اقتضای عاطفه و احساسی که دارد نظر خود را به صحنه‌هایی معطوف می‌سازد که آکنده از زشتی‌ها و پلشتی‌ها است و برای نشان دادن ابعاد زشتی‌ها نیز از به کار گرفتن عنصر «خیال» برای به دست دادن تصویر روشن و کاملی از معنی انسانی است و تردیدی نیست که در این گونه «سوژه‌ها» از «جمال مطلوب» (نمایی بی‌شائبه و نامحدودی است که ذوق آفریننده شاعر، در ورای جهان غیبی بدان می‌انداخت) خبری نیست.

اگر «بیکر» رانسوی بر این باور است که شعر به آفرینش و پرورش «سوژه»‌هایی می‌پردازد که «زادهای طبیعی» خود بزرگتر و جاودانه‌ترند، به این خاطر است که «خیال» در شعر، نقشی محو و ضایع است و صاحب‌نظران نه تنها شعر را کلامی «مخیل» که «مخیل» نیز می‌نامند بدین معنی که شعر، علاوه بر این که خیال آلوده است، خیال انگیز نیز هست و نقش «خیال انگیزی» شعر بر مخاطبان خود می‌گذارد نقشی بسیار اساسی است که ما جدا برداشت‌های متفاوتی از یک شعر می‌شود و به همین خاطر است که از یک بیت شعر ممکن است معانی متفاوتی ارائه شود که هر ذهن کنجکاوی را برانگیزد. تفسیرهای مختلفی که از شعر «مولانا» و لسان‌الغیب «حافظ شیرازی» ارائه می‌شود، بر همین اساس استوار است.

دفتر شعری که پیش روی خوانندگان ارجمند است به نام «سایه‌ها» حاصل اندیشه، ذوق و قریحه‌ی سرشار شاعر جوان و خوش آتیه، چنانچه آید، بود. وهاب در شعر کلاسیک است که از خطه‌ی شاعر خیز و شعر دوست شهرستان سوریه بیابانک از توابع استان اصفهان و از وارثان شاعر و غزل‌سرای بلندپایه‌ی عصر قاجار و معاصر موعود بغمای جندقی می‌باشد.

بر دفتر «سایه‌ها» نظر باید کرد

با بال دل از حضرمند باید کرد

هر مصرع آن را صدف می‌ماند

آری رصف، صیدگر باید کرد

ابوذر وهاب علاوه بر استعداد ذاتی، در اکتساب دانش ادبی و پیرامون آن نیز کوشا و فعال بوده، در محافل گوناگون شعر شرکت جسته و در برنامه‌های «اقتراح» به خوبی توانمندی خویش را در عرصه‌ی بداهه سرایی، نمایان کرده است، در دفتر مذکور شاهد سروده‌های وی از قبیل: غزل، چارپاره، رباعی و دوبیتی‌های زیبایی هستیم که از نظر ساختاری، دارای انسجام در ترکیب‌بندی و بهره‌مندی از تشبیهات و تصویرهای مناسب و تازه است که نشانگر مطالعات وی در آثار متقدمین، متأخرین و معاصرین می‌باشد. مطالعه‌ی این کتاب را به علاقه‌مندان شعر و ادب معاصر پیشنهاد می‌کنم.

باش قاصح دولت‌دل‌مد

کاین هنر از خایج شعر است

سید محمدرضا شمس (ساقی)

قم / پاییز ۱۳۹۶ خورشیدی